

پاموک

نویسنده‌ای از جنس امروز

ترجمه: میتر اکیوانمهر

است منتقد یک روزنامه سوئدی درباره او گفته است: پاموک تمام ظرایف زندگی مدرن و پست مدرن را می‌شناسد، او یک نویسنده پیشگام است این موفقیت بیشتر از آن که ثمره الهام باشد نتیجه سخت کوشی است.

آثار او قابل مقایسه با آثار نویسندگانی چون بورخس، کالوینو، جویس و کافکا است. او دیدگاه ژرفی نسبت به رمان‌های مدرن دارد جدیدترین رمانش به نام «من قرمز هستم» که موفق به دریافت جایزه صد هزار یورویی صلح ناشران آلمانی شد. پس زمینه تاریخی دارد و به نوعی بزرگداشت قدرت حکومت خلیفه عثمانی است. در این رمان روایت داستان از یک کاراکتر به کاراکتر دیگر منتقل می‌شود گاهی راوی یک سگ است و گاهی یک درخت نقاشی شده، گاهی یک سکه و گاهی رنگ قرمز. پاموک با ظرافت عنصر شوخ طبعی را به متن داستان می‌افزاید.

پاموک در حال حاضر نقش میانجی بین شرق و غرب را بازی می‌کند. او چند روز قبل از دریافت جایزه صلح نمایشگاه کتاب فرانکفورت با خبرنگار مجله اشپیکل در مورد ارتباط عشق و نفرت بین روشنفکران ترکیه و غربی‌ها صحبت می‌کند و شاید به همین دلیل همه بر این باورند که بعد سیاسی اثر پاموک او را موفق به دریافت جایزه کرد.

آقای پاموک شما موفق به دریافت جایزه صلح در نمایشگاه آلمان شده‌اید آثار شما هم جنبه ادبی دارند و هم جنبه سیاسی کدامیک بیشتر برایتان جذاب است؟ - به نظر من خیلی جالب است که هم آلمان‌ها و هم ترک‌ها به بعد سیاسی این اثر بیشتر توجه دارند و جنبه ادبی آن زیاد مد نظر نیست. البته جدیدترین رمان من یک اثر سیاسی است.

پاموک در هفت ژوئن ۱۹۵۲ در استانبول به دنیا آمد تمام عمر خود را در استانبول گذراند، به جز سه سال که در نیویورک بود. پس از این که سه سال در رشته معماری دانشگاه فنی استانبول درس خواند در سال ۱۹۷۳ شروع به نوشتن کرد اولین رمان او Cevdet Bey ve ogullari نام داشت که در سال ۱۹۷۹ به دریافت جایزه در مسابقه و رمان نویسی «میلیت پرس» نائل شد این کتاب در سال ۱۹۸۲ چاپ شد در سال ۱۹۸۳ جایزه مادرالی را دریافت کرده دومین رمان او Sessiz EN نام داشت که در سال ۱۹۸۳ چاپ شد. رمان تاریخی او قلعه سفید در ۱۹۸۵ چاپ شد و باعث شهرت جهانی او گردید.

نیویورک تایمز می‌نویسد: ستاره‌ای جدید در شرق تابیده است و او اورهان پاموک نویسنده ترک است. رمان مشهور او کتاب سیاه یکی از بحث برانگیزترین آثار در ادبیات ترک است در سال ۱۹۹۲ فیلمنامه فیلم Gırtlıyız را بر اساس همین کتاب نوشت. «زندگی نو» رمان دیگر او از پرفروش‌ترین آثار در ۱۹۹۵ بود کتاب‌های او را به بیش از ۳۳ زبان خارجی ترجمه کرده‌اند.

اورهان پاموک یکی از نویسندگان برجسته ترکیه است و به تعبیری می‌توان او را چهره شاخص نسل جدید نویسندگان ترک دانست. پاموک در بیست سالگی از تحصیل معماری دست برداشت و به سراغ روزنامه نگاری رفت تا از رفتن به سربازی خلاص شود. بعد از مدتی به خانه مادری خود در استانبول رفت و چند رمان نوشت بدون این که قادر باشد آن‌ها را چاپ کند او می‌گوید: در آن زمان تنها کاری که می‌کردم این بود که بخوانم و بنویسم به مدت هشت سال با محیط اطرافم بیگانه بودم به عبارتی دیگر اصلاً زندگی نکردم و حتی یک پنی در نمی‌آوردم. پاموک اکنون ۵۰ سال دارد و زندگی‌اش تغییر کرده و به شهرت دست یافته



○ چرا رمان «برف» یک رمان سیاسی شناخته شده؟

- من نظرات سیاسی خود را مطرح کرده‌ام فقط برای این که احساسات خود را تخلیه کرده باشم. ○ با وجود این که محل وقوع اکثر داستان‌های شما استانبول است این رمان در «کارس» رخ می‌دهد چرا آن جا را انتخاب کردید؟ - وقتی در دهه بیست بودم دوست داشتم کشورم را ببینم به همین دلیل با دوستم به دیدن شهرهای مختلف رفتیم و من جذب وسعت و زیبایی «کارس» شدم. بخشی از این شهر توسط روس‌ها ساخته شده است به همین دلیل با دیگر بخش‌های ترکیه متفاوت است و این در ذهن من ماند وقتی شروع به نوشتن رمان «برف» کردم «کارس» به نظر محل مناسبی آمد زیرا در زمستان برف زیادی آن جا می‌بارد. ○ کا (Ka) قهرمان داستان است اما یک راوی نیز به نام اورهان هست که پس از مرگ کا داستان او را پی می‌گیرد چه مقدار از شخصیت اورهان پاموک در این اورهان جمع شده است؟

- او یکی از شخصیت‌های رمان است او من نیست گرچه آثار من برگرفته از زندگی خودم هستند این به نظر دوستان و خانواده‌ام جالب است. چون یک زندگی خصوصی در داستان به نمایش در می‌آید. ○ شهر شما استانبول است دفتر کار شما چشم انداز خوبی دارد وقتی این جا مشغول به کار هستید چه حسی دارید؟

- خیلی خوشحالم گاهی اوقات به سوخی می‌گویم من تنها رمان نویسی هستم که می‌توانم از پنجره اتاقم به بیرون اشاره کنم و کاراکترهای خود را بباهم از این جا همه شهر پیداست.

○ امروز شما را به عنوان یکی از روشنفکران پیشگام ترکیه می‌شناسند آیا این با آن چه که مدنظر شماست تبیینی ندارد؟ - صادقانه می‌گویم که اصلاً افسوس نمی‌خورم این جریان به شکلی ناخواسته برایم پیش آمد. ○ شما از طرفداران ملحق شدن ترکیه به اتحادیه اروپا هستید آیا رمان «برف» به این منظور کمک می‌کند؟

- به طور دقیق منظور شما را می‌دانم یک دوست در هلند به من گفت: بعد از خواندن رمان تو خیلی ترسیدم و من به او گفتم رمان من یک رمان تاریخی نیست.

○ ولی چنین اتفاقاتی در دهه ۱۹۹۰ رخ داده‌اند! - درست است ولی ما همیشه خواهان پیوستن به اتحادیه اروپا بودیم و همین باعث می‌شود شرایط قانون در کشور ما تغییر کند وقایع ناخوشایندی که در دهه ۱۹۹۰ رخ داد مربوط به اقدامات افراد متعصب

بود. ○ شما شرایط خشونت باری را به تصویر می‌کشید.

- این امر نباید مردم را بترساند گرچه رمان برف نمایانگر فرهنگ مردم ترک و کرد در ترکیه است ولی این شرایط با پیوستن به اتحادیه اروپا برطرف خواهند شد.

○ آیا معتقد هستید که ترکیه در هشت تا ده سال گذشته خیلی تغییر کرده است. - بله همین طور است و هنوز در حال دگرگونی است تصور پیوستن به اتحادیه اروپا باعث آرامش خاطر ملت است اما مذاکرات تازه شروع شده است. این جریان تا ده سال به طول می‌انجامد و تا آن زمان از نظر سیاسی اقتصادی و فرهنگی رشد خواهیم کرد.

○ اما طبق داستان شما در رمان برف هنوز افراد واپس گرا مشکل ساز هستند. - این گونه افراد در اروپا نیز یافت می‌شوند تاریخ ترکیه تاریخ اروپا نیز هست.

○ تفاوت اساسی بین ترکیه و اروپا چیست؟ - سال‌های خونین و جنگ به اروپاییان آموخته است که دنبال کردن سیاست بدون تنفر از مسائل مذهبی باعث آرامش خاطر مردم و برقراری صلح است. این مفهوم هنوز در میان ترک‌ها جا نیفتاده است.

○ قهرمان رمان شما یعنی «کا» خود را لائیک می‌خواند خودتان نیز این طور هستید. - مذهب من اندکی پیچیده است مذهب من ادبیات است.

○ شما خودتان را یک مسلمان می‌دانید؟ - من خود را بخشی از فرهنگ مسلمانان می‌دانم خودم را بی‌خدا نمی‌دانم، من خود را بخشی از این فرهنگ می‌دانم اما می‌توانم بگویم بیشتر تحت تاثیر داستایوسکی و سارتر هستم.



صادقانه می‌گویم، که اصلاً افسوس نمی‌خورم که به عنوان یکی از روشنفکران پیشگام ترکیه شناخته شده‌ام این جریان به شکلی ناخواسته برایم پیش آمد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جان رمانی